

مکالمات

راه یافتگان به مرحله نهایی جشنواره داستان کوتاه

نخستین مرحله داوری مسابقه «داستان کوتاه شهرکتاب» به پایان رسید. در این مرحله که ۴۰۶ داستان کوتاه در معرض داوری قرار گرفته بود ۷۰ داستان از ۶۵نویسنده به دور بعدی راه یافتند. خانم هلن اولیایی نیا به همراه آقایان علی خدایی و سیدرضا شکراللهی کار انتخاب ۷۰داستان را به عهده داشتند.مرحله دوم داوری از روز شنبه ۱۴ بهمن ماه آغاز خواهد شد و داوران این مرحله سه داستان برگزیده این دوره از مسابقه را انتخاب خواهند کرد. داوران مرحله دوم عبارتند از: خانم بلیس سلیمانی به همراه آقایان احمد اخوت، عباس پژمان، علی خدایی و محمدحسن شهسورای. اسامی نویسندگان که آثارشان به دور دوم داوری راه یافته است به ترتیب حروف الفبا از این قرار است: نسیمه اسدی، ایمان اسلامیان،پیمان اسماعیلی، علیرضا اشتری، مرجان بصیری، کیا بهادری، ایمان بهزادیان، مرتضی بیاړه، علیرضا پورانا، زهرا پورقران، آرش توکلی، مجتبی جعفری، مریم جلیل زاده، مرزیه جوکار، سارا جهان آرای، معصومه حسینی، وحید حسینی، نسیم خلیلی، وحید ذاکری، کورش رشو، مهناز روفقی، مرزیه ریاحی، علیرضا زامنی،محمدرضا زامنی، مهدی زیرکی فرد، فرزانه سالمی، مرزیه ستوده، محمود شاه‌محمدی، کاوه شجاعی، سعید شریفی، سعید شعبانی، میلاد ظریف، عماد عبادی، مهدی عباسی، امیرحسین عسگری، کیارنگ علائی، علیرضا علی نژاد، محمدرضا فیاض، حمیرا قادری، نرگس قنذچی، ندا کاوسی فر، دینا کاویانی، مرتضی کربلایی لو، علی کردوانی، علی اکبر کرمانی نژاد،هادی کیکائوسی، سحر گودرزی، مرتضی محمودی، علیرضا محمودی ایرانمهر، مرדعلی مرادی، حمیدرضا منایی، فرشاد مؤتمنی، حسن میرزایی، فرزانه ناظران پور، ناصر نبوی، بهزاد نژاداحمدی، حسین نیازی، سولماز نیازی، هوشمند ورعی، نوشین وفادار، هاجر هادی کرمانشاهی، خدیجه هاشمی، غلامحسین هرندی زاده، پیمان هوشمنزاده، آیتیا یارمحمدی.

بزرگداشت روزجهانی داستان کوتاه با عنوان «در ستایش داستان کوتاه» بعد از ظهر ۲۵ بهمن ماه در موزه هنرهای معاصر برگزار می شود. در این مراسم، نخست در ویژه برنامه بزرگداشت نویسنده برجسته معاصر «جروم دیوید سلینجر» با عنوان «سلینجر؛ ژرف نگار مصصومیت» دکتر امیرعلی نجویان و مصطفی مستور سخنرانی خواهند کرد و سپس فیلم کوتاهی درباره این نویسنده پخش خواهد شد. در بخش دوم برنامه، عبدا... کوثری، محسن سلیمانی و



محمدرضا گودرزی در میزگردی با عنوان «چشم انداز داستان کوتاه در ایران و جهان» به بحث و بررسی وضعیت امروز داستان کوتاه، ناکامی ها و کامیابی های آن در ایران و جهان خواهند پرداخت.

همچنین در این روز، برندگان مسابقه «داستان کوتاه شهر کتاب» که اسامال به مناسبت روزجهانی داستان کوتاه طراحی و برنامه ریزی شده است، اعلام خواهند شد. علاوه بر این روز قرار است از مترجم و ناشری که در سال های اخیر در ترجمه و انتشار قالب ادبی داستان کوتاه تلاش بیشتری داشته اند، تقدیر شود. برنامه بزرگداشت روزجهانی داستان کوتاه ساعت ۲۳:۰ بعداز ظهر روز ۲۵ بهمن ماه در موزه هنرهای معاصر آغاز خواهد شد.



مرکز تحقیق و پذیرش آگهی های روزنامه اعتماد ملی

تلفن: ۲۶-۰۲۴۰۸۹۵۶۰۸۸

نماینبر: ۰۴-۸۸۹۵۹۳۰۴

مقدمه رمان نویسی مهسا محب علی

۱-در حال حاضر داستان کوتاه رشد خوبی در میان جوان ها داشته است و مجموعه داستان های کوتاه نسبت به گذشته بیشتر چاپ می شوند. برگزاری جشنواره های داستان کوتاه به صورت اینترنتی یا جشنواره های دانشجویی در تهران و شهرستان ها نسبت به گذشته بیشتر شده است و همان وجهی که قبلا به شعر وجود داشت به سمت داستان کوتاه رفته است و این را به خوبی در دهه هشتاد می توان دید. ۲-موفق هشتم، چون نوشتن رمان مشکل تر است و از نظر دقت و تجربه به نویسنده باید ذهنیت ساختارمندتری برای رمان داشته باشد. به همین علت داستان کوتاه راحت تر است و نسل جوان که شروع به نوشتن داستان کوتاه کرده اند، امید است که در آینده رمان نویس شوند. ۳-یک مانع بزرگی که در ایران وجود دارد عدم رعایت کپی رایت است که باعث شده تمام دنیا تمایلی به کار کردن با ایران نداشته باشند. باید ایقدر کارهای اروپایی در ایران ترجمه شود تا ما بتوانیم تبادل افکار داشته باشیم و در سطح بین المللی بنویسیم و سطح کار را بالا ببریم. ۴-سان شاین: کورش اسدی و داستان های کوتاه گلشنیری، تقی رفعت، ناتاشا امیری، کارور و همینگوی

هنری واکنشی

محمدحسن شهسورای

۱- بنا به دلا یلی که در پاسخ پرسش بعدی خواهد آمد، ارزیابی من از داستان کوتاه مثبت است. ۲- با این نظر موفق ام. دلا یل بسیاری برای این موضوع برشمرده اند، برای مثال گفته می شود از آنجا که داستان کوتاه از جهاتی به شعر نزدیک است و ما سابقه طولانی در شعر داریم، داستان کوتاه به نسبت رمان موفق تر است. برخی حرفه ای نبودن داستان نویسی را در ایران علت اصلی می دانند و معتقدند چون برای رمان حداقل یک سال کار مداوم لازم است و هنوز هیچ کس در کشور از راه نویسندگی نمی تواند اقتصاد خود و خانواده اش را بچرخاند، رمان رونق کافی نیافته است. اما داستان کوتاه را در یک و یا دو نشست می توان نوشت. برخی نیز معتقدند چون رمان ژانری شهری است و جامعه ما هنوز شهری نشده، توفیق چندانی در نگارش رمان نیافته است. برخی نیز، پیش شرط رمان نویسی را دانش فراوان می دانند و از آنجایی که نویسندگان ایرانی در فراگیری سایر علوم انسانی کاهلی می کنند، پس طبیعی است، در نگارش رمان توفیق چندانی نداشته باشند. از نظر من تمام این دلا یل بخشی از حقیقت را در خود دارند که البته این نظر کوچک من را هم می توان به آن اضافه کرد. چون رمان اساسا هنری کئشنگر است و داستان کوتاه واکنشی، قدرت های قاهر در جامعه برای هنر کشنگری که باورها را زیر سوال می برد، تحمل کمتری دارند.

۳-واقعا نمی دانم. هر چند برای شخص من خیلی هم این مسأله مهم نیست و به آن فکر نمی کنم. شاید اگر مترجمانی خوب از داخل کشور باشند که ذائقه مخاطب

جهانی را بشناسند، همین الان هم جهانی باشیم.

۴-محدود کردن چند داستان کوتاه در میان این همه آثار یگانه، ظلمی به سایر داستان هاست. من تنها می توانم سلیقه خود را بگویم. آن هم فقط در مورد داستان های کوتاه ایرانی: «سراسر حادثه»: بهرام صادقی، «هرسوک جینی من»: هوشنگ گلشنیری، «ابر بارانش گرفته»: شمیم بهار، «اتاق پر از غبار»: اصغر عبداللهی، «دو رهگذر»: محمدرضا صفدری، تقریبا تمام داستان های مجموعه داستانی «عزاداران بیل»: غلامحسین سعادی و بسیاری دیگر. در مورد داستان های خارجی، با چنان اقیانوسی طریم که فئجان کوچک ما، توان اندازه گیری آن را ندارد.

در مورد نویسندگان خارجی، برای من که زبان خارجی آن قدر بلد نیستم که به زبان اصلی آن داستان ها را بخوانم، طبیعی است که انتخاب هایم از پشت فیلتر ترجمه باشد. بااین شرط به نظر من، پنجوف، همینگوی، سلینجر و کارور حتما در این لیست قرار دارند. اما در مورد نویسندگان وطنی، از آن جای که من بهرام صادقی را شهریار و سرآغاز داستان کوتاه مدرن ایرانی می دانم، خود و خطی که او را به ما وصل می کند از جمله هوشنگ گلشنیری، علی اصغر شیرزادی و شهریار مندینی پور را اصیل می دانم. البته نه آنکه دیگران اصیل نیستند، من فقط از سلیقه خود سخن گفتم که البته در این میان غلامحسین سعادی در دو مجموعه «عزاداران بیل» و «واحه های بی نام و نشان» وضعیت یگانه دارد.

برعکس همه جای دنیا

عباس پژمان

۱- در سال های اخیر، داستان کوتاه رشد چشمگیری داشته است و نویسندگان بسیاری به نوشتن داستان کوتاه روی آورده اند و داستان های خوبی نوشته اند. در مقایسه با رمان، وضعیت داستان کوتاه ، از نظر کمیت و کیفیت، مطلوب تر بوده است. ۲-در همه جای دنیا عکس این مسأله صادق است و بیشتر رمان می نویسند تا داستان کوتاه. شاید علت این باشد که نویسندهٔ ایرانی، نمی تواند برنامه ریزی طولانی مدت بکند و رمان نیاز به وقت و تحقیق و اطلاعات زیادی دارد و برای همین نمی توانند رمان بیشتر بنویسند.

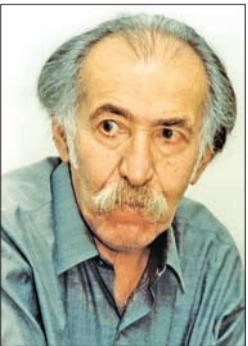
۳-نخست باید مفهوم جهانی شدن را تعریف کنیم. هر کدام از کسانی که دربارهٔ جهانی شدن صحبت می کنند، این اصطلاح را به چه معنا به کار می برند؟ آیا به این منظور که داستان در همه جا ترجمه شود و همه بخوانند و یا اینکه داستان های کوتاهی نوشته شوند که همه بخوانند و در دنیا شناخته شود و یا در سطح بهترین داستان های دنیا باشد؟ ما در صورتی می توانیم این ادعا را داشته باشیم که داستان هایی بنویسیم که با بهترین داستان های دنیا برابری کنند. یعنی تکنیک های آنها را تکرار نکنیم چون این کار را پیش از این، آنها انجام داده اند. پس ابتدا باید بپایان دهی داستان کوتاه خود بدسیم و آن را به صورت مطلوبی



• محمدحسن شهسورای



• داوود غفاززادگان



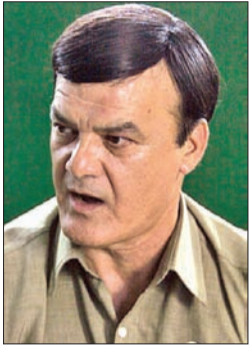
• عبدالملکی دستغیب



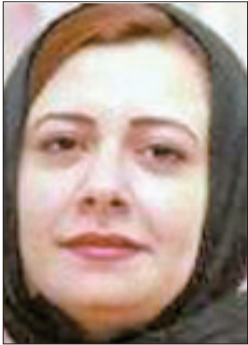
• دکتر عباس پژمان



• فرزندۀ اقایین



• فیروز زنونزی جلالی



• مهسا محب علی

گفت‌وگو با ۷ نویسنده

در ستایش داستان کوتاه

رشد کمی نویسندگان در دو دههٔ اخیر، اقبال نسبتاً خوب مخاطبان از داستان‌های ایرانی، تحرک در نشر آثار داستانی و تعدد در جوایز ادبی، نشانه‌هایی امیدوارکننده برای شکوفایی ادبیات داستانی به ویژه داستان کوتاه در آینده است. چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه روز جهانی داستان کوتاه است و در بسیاری از کشورها، برنامه‌هایی به همت نویسندگان و مراکز فرهنگی برگزار می‌شود. از سال گذشته به همت شهرکتاب، همایش در ستایش داستان کوتاه در این روز برگزار می‌شود که در سال جاری علاوه بر برگزاری همایش، جایزهٔ داستان کوتاه شهرکتاب به نویسندگان برتر اهدا می‌شود. به مناسبت روز جهانی داستان کوتاه، پرسش‌هایی را طرح کرده‌ام که پاسخ‌های نویسندگان و منتقدان در اختیار شماست.

۱-وضعیت داستان کوتاه امروز ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲-برخی معتقدند داستان کوتاه در ایران موفق‌تر از رمان بوده است، نظر شما در این باره چیست؟

۳-داستان کوتاه ایران چگونه می‌تواند جهانی شود؟

۴-چند داستان کوتاه برتر و نویسنده درخور توجه داستان کوتاه را نام ببرید؟

بنویسیم، مثل کاری که پنجوف، بورخس و کارور کرده‌اند. اگر در این حد کار کنیم می‌توانیم مدعی باشیم. اما اگر به این علت که یک تکنیک را بورخس و پنجوف و دیگران، ارائه کرده‌اند ما هم به آنها اکتفا کنیم، نمی‌توانیم امر جدیدی به دنیا ارائه کنیم. اگر ما تکنیک جدیدی عرضه کنیم و دنیا ما را نشناسد، آن زمان دنیا ضرر کرده است.

۴-«مردگان» جیمز جویس، «برف‌های کلیمانجارو»:

همینگوی، «گر به در باران»، همینگوی، «شوخی کوچک»، پنجوف، «لاله»: صادق هدایت، «گیله‌مرد»: بزرگ علوی. و نویسندگانی مانند: پنجوف، گوگل، کافکا، کارور، جیمز جویس، صادق هدایت.

رنگ و لعاب ایرانی

فیروز زنونزی جلالی

۱-وضعیت خوب و ایده‌آلی است که با داستان‌های کوتاه دنیا برابری می‌کند. البته این در مورد تمام داستان‌های کوتاه، صادق نیست.

اما مجموعه‌هایی داریم که در حدی هستند که می‌توان آنها را ترجمه کرد. من به علت سفرهای متعددی که به خارج از ایران داشتیم این طور دیدم که در خارج از کشور تمایل به خواندن داستان‌های کوتاه ما اگر این داستان‌ها ترجمه شود، وجود دارد.

۲- اگر دربارهٔ رمان و داستان کوتاه بخوایم صحبت کنیم، «مان‌ها یا مدرن، پاسمدرن و افراتیبا هستند و کسانی که این نوع نگارش را در دنیا باب کرده‌اند اگر الان این وضعیت را ببینند دچار حیرت می‌شوند و یا حالت سنتی دارند و ما باید به یک حالت بینابین برسیم.

۳-در عرصهٔ رمان و داستان کوتاه آنجا که باورها و سنن ما را جهانی‌کنند یعنی بعضی داستان‌ها رنگ و لعاب ایرانی‌ند. لذا واگر اسم شخصیت‌ها را تغییر دهیم این تصویر پیش می‌آید که با داستان ترجمه‌شده رو به رو هستیم و آن رنگ و لعاب ایرانی را در این کارها نمی‌بینیم. نویسندگانی موفق هستند که جغرافیا و موقعیت خودشان و فرهنگ فولکلور خودشان را با یک زبان شسته و رفته ارائه دهند، مانند صدسال تهنایی گابریل گارسیا مارکز. نویسندگان نسل جوان باید یادبند که رمان و داستان کوتاه بیشتر از جغرافیایی می‌گوید که متعلق به ما نیست.

۴-کچامیری ننه‌امرو: احمد محمود، مرگ ایوان ایلیچ: تولستوی، مردی با کراوات سرخ: هوشنگ گلشنیری، ترجمه مجموعه داستان اینجا همه آدم‌ها این طوری هستند، لاتاری: کورسکی، داستان‌هایی از صادق چوبک و پنجوف، ریموند کارور.

نوشته می‌شود. داستان‌های بزرگ علوی، صادق چوبک، صادق هدایت و جلال آل احمد جنبه اجتماعی و سیاسی داشته و حتی داستان «فردا» صادق هدایت که به صورت جریان سیال ذهن نوشته شده است داستان زندگی یک کارگر است که به سختی معیشت زندگی خودش را بیابن می‌کند. تا دههٔ چهل داستان‌های کوتاه فارسی عموما به تاثیر از داستان نویسان روسیه به خصوص پنجوف و در بعضی موارد دوگی مویسان است. در اواخر دهه سی تاثیر نویسندگان آمریکایی هم در داستان‌های فارسی دیده می‌شود. در این دوره چند داستان صادق چوبک و ابراهیم گلستان تحت تاثیر داستان کوتاه نویسان آمریکایی مثل جان اشتاین بک، همینگوی و فاکتر دیده می‌شود. در دههٔ چهل دو داستان نویس ظاهر می‌شوند: هدایت و بزرگ علوی که بزرگ علوی در داستان‌هایش گرایش به چپ‌نشان می‌دهد و هدایت هم نوسان دارد و گاهی داستان‌هایی می‌نویسد که جنبه فردگرایانه دارد و داستان‌هایی که جنبه اجتماعی دارد مثل آب زندگی. «فردا» هم جنبهٔ آگزیستانسیالیسم و روشنفکری دارد. جلال آل احمد که در چارچوب چوبک و هدایت بود، بهرام صادقی آن فضای داستانی را عوض کرد و جلال آل احمد که به تاثیر هدایت و چوبک می‌نوشت و در برخی موارد داستان‌ها جنبه سیاسی تند داشت با نوشتن «امیر مدرسه»، هم از نظر بیان و سبک و سیاق سخن و فضای داستانی شیوه جدیدی به وجود آورد که به قول خودش تحت تاثیر آثار کامو و سلین بوده است. بهرام صادقی، سعی می‌کند بخش‌های اجتماعی و تنها ماندگی فرد را در جامعه بیان کند. در این دوره مد و مه گلستان داستانی تغزلی است و داستان نویسان دیگر هم وارد داستان‌نویسی در دههٔ چهل و اواخر آن می‌شوند. احمد محمود، محمود دولت‌آبادی و جمال میرصادقی شاخص تر هستند. در دههٔ پنجاه و شصت جریان‌ها سیاسی می‌شود و جنبه انقلابی دارند. در دههٔ شصت داستان‌های کوتاه رشدی نداشته است و سبک و سیاق همان است و عده‌ای دنباله‌روی جلال آل احمد هستند و به سبک او می‌نویسند و عده‌ای از بهرام صادقی پیروی می‌کنند و البته چند داستان غلامحسین سعادی که در دههٔ چهل نوشته شده، جالب توجه است. در دههٔ شصت و هفتاد داستان رشد می‌یابد و داستان‌های زیادی نوشته می‌شود. زویا پیرزاد، گلی ترقی، فریبا وفی، حاجی زاده، شیوا ارسطویی، ابوتراب خسروی و شهریار مندینی پور داستان‌های خوبی نوشتند. خسرو حمزوی، حسن بنی‌عامری، فیروز زنونزی جلالی، محمدرضا کاتب و مهدی شجاعی که اینها در دههٔ شصت و هفتاد داستان‌های کوتاه انتقادی و تغزلی نوشتند. همچنین احمد محمود و محمود دولت‌آبادی. دهه هفتاد به خصوص در اواخر دهه شصت داستان‌های کوتاه رشد و رونقی می‌یابد. در دهه شصت و هفتاد منیرو روانی پور و در دهه شصت بعد از پایان جنگ داستان‌هایی که چاپ نشده بود مثل شهرنوش پاریسی پور و زویاپیرزاد رشد و ترقی داستان کوتاه را نشان می‌دهد. در دهه شصت و هفتاد ما شاهد رمان‌ها و داستان‌های کوتاه هستیم.

۲-داستان کوتاه موفق‌تر از رمان بوده است و بسیاری از رمان‌ها که نوشته شده‌اند طرح و ساختار داستان کوتاه دارند و اسم رمان را روی آنها گذاشته‌اند. یک داستان کوتاه را تا مرز سیصد صفحه بسط داده‌است. جای خالی سلوچ یک پلات و یک شخصیت عمده بیشتر ندارد و مثل رمان باید چند آویایی باشد. در حالی که رمان‌های فارسی بهترین شان یک‌قطعه شعر و داستان کوتاه بیشتر نیست و نویسنده فکر کرده‌اگر این را بسط دهد، رمان می‌شود. رمان کلاسیک و نو که جویس و مارسل پروست نوشته‌اند، در ایران هنوز رمان نداریم و داستان‌طویل نقالی است. شاهزاده احتجاب، بوف کور، چشم‌هایش و کلیدرمان نیستند و داستان‌های طولانی هستند و چون نویسنده باید تفکر داشته باشد. داستان کوتاه تحت تاثیر خارجی‌ها هستد ولی پلات مال خودشان است. ما پلات را از رمان‌های اروپایی گرفته‌ایم. ثریا با اغما: اسماعیل فصیح، تحت تاثیر خورشید همچنان می‌درخشد همینگوی است و درخت انجیر معابد تحت تاثیر مرشد و مارگریتا طرح داستان بولگاکف است. اما داستان‌های کوتاه ما از این نظر موفق‌تر و ماندنی‌تر و فضای داستانی بیشتر از رمان دارند.

۳-جهانی شدن ابتدا باید تعریف شود. من با این سوال موافق نیستم. ۴-«گردن‌بند»: گگی دو مویسان، «خرس»: فاکتر، «برف‌های کلیمانجارو»: همینگوی، «استعفا»: پنجوف، «مردگان»: جیمز جویس. ایرانی‌ها: «گیله‌مرد»: بزرگ علوی، «آینه شکسته»: صادق هدایت، «گل‌های گوستی»: صادق چوبک، «مد و مه»: ابراهیم گلستان، «همهان ناخوانده در شهر بزرگ»: بهرام صادقی.

جهانی، اما ترجمه نشده

فرخنده آقای

۱- وضعیت داستان کوتاه امروز ایران بسیار خوب است. ۲- داستان کوتاه به لحاظ کوتاه بودن امکان چاپ در نشریات و سایت‌ها را دارد و به وقت کمتری برای خواندن نیاز دارد و قضاوت در مورد آن سریع‌تر و آسان‌تر است و در مجموع در دسترس‌تر است لذا بیشتر و بهتر دیده می‌شود. ۳- داستان کوتاه ایران جهانی هست ولی ترجمه نشده است. ۴- داستان‌های کوتاه ایرانی: «زنی که مردش را گم کرده بود»، «دیوان سونات»، «گیله‌مرد»، «به خدا من فاحشه نیستم»، «راز کوچک»، «کهن‌ترین داستان جهان»، «کلا کلماتیس»، «فرشته‌ای از آشین‌خانه»، «لا تازی» و «هوزماهی» و نویسندگانی مانند: هدایت، جمال‌زاده، گلشنیری، یاقوت‌خسروی، گلی ترقی، هنریش بل، فاکتر، همینگوی، میلان کوندرا، پنجوف.

♦ پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۵ ♦ شماره ۳۰۲ ♦

مکالمات

به بهانه روز جهانی داستان کوتاه

داستان به نفع جهان است

ترجمه: کاوه شجاعی

دو سال است که در ایران روز جهانی داستان کوتاه مراسمی برگزار می‌شود. امسال اضافه بر مراسم ، مسابقه داستان کوتاه نیز برگزار شده است. سال ۲۰۰۲ در شصت و هشتمین کنگره جهانی انجمن بین المللی قلم، نمایندگان ترکیه ۱۴فوریه را به عنوان روز جهانی داستان کوتاه پیشنهاد کردند که مورد قبول دیگر اعضا قرار گرفت. از آن زمان به بعد این روز در تقویم یونسکو به عنوان روز جهانی داستان کوتاه شناخته می‌شود و علاقمندان به داستان در سراسر دنیا آن را به طرق مختلف گرامی می‌دارند.

این متن کوتاه در سایت رسمی داستان کوتاه آمده است:

«هر انسان را داستانی است ...

با داستان، خود را تا آینده امتداد می‌دهیم...

با داستان جلوی ویرانی گذشته‌را می‌گیریم.

داستان‌ها بشر را -در سراسر دنیا- با ماجراهای مشابه و متفاوت‌شان به هم پیوند می‌دهند؛ بی‌توجه به مرز، ملیت یا فرهنگ بومی.

صلح جهانی، نگرانی برای عدالت و یاجان‌بینی‌های مشترک- همه-و همه- یویایی‌دیرپای خود را از این حقیقت گرفته‌اند که داستان‌ها جهانی‌اند. قابل درک‌اند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

به همین خاطر تصمیم گرفتیم که روز چهاردهم ژوئیه، روز عشاق را به عنوان «روز جهانی داستان کوتاه» گرامی بداریم. روزی بسیار مخصوص که باعث شود انسان‌به جهان و بشریت نمایانده شود، به گذشته و آینده عرضه شود. این جشن مراسمی است در هماهنگی کامل با نهاد انسان.

در چهار گوشه جهان و در هر روزی از روزهای خدا، داستان کوتاه می‌تواند میان انسان‌هایی با هر سلیقه ادبی ارتباط برقرار کند. توجهات را به نقطه‌های مشترک زندگی ساکنان زمین جلب کند و ثابت کند که زبان‌بهترین وسیله برای ابراز وجود است.

داستان رسانه‌ای است زنده، از گذشته تا آینده. جهان معنی‌اش را از داستان می‌گیرد؛ داستان به نفع جهان است.»

گپ و گفت

داوود دانشور، برنده کتاب سال هنر

تلفیق منابع خارجی با تجربه عملی

رضا آشفته

داوود دانشور، بازیگر، کارگردان، مترجم و مدرس تئاتر است. از سال ۵۶ به عنوان یک چهره فعال تئاتری شناخته شده است و برای اولین بار بعد از انقلاب ۵۷ در تالار شهید قشقایی تئاتر شهر نمایش «نهضت حر و فیه» را اجرا کرد.

داوود دانشور به دلیل تالیف «صدا و بیان بازیگر» که جلد اول آن توسط انتشارات سمت در سال ۸۴ منتشر شده است، به عنوان موفق برگزیده کتاب سال ۸۵ شناخته شد. با او گفت‌وگویی کرده‌ام که می‌خوانید. ***

با چه انگیزه‌ای «صدا و بیان بازیگر» را منتشر کردید؟
می‌خواستم یک امکان نیرومند به‌عنوان صدا، تقویت و کار را وارد حوزه عملی بازیگری کنم. چون خودم کار عملی می‌کنم، منابع خارجی را در این مورد پیدا کرده و براساس آنها تمرین می‌کردم. از در هم آمیختن این متون ترجمه و تمرین‌های عملی کتاب حاضر رانوشتم. فکر می‌کنم این کتاب برای تمامی بازیگران تئاتر، سینما و تلویزیون مفید و آه‌سود.

از چه زمانی به فکر تالیف این کتاب افتادید؟
از سال‌های دانشجویی (۱۳۶۶) من مدام ترجمه‌هایی درباره صدا و بیان مطالعه می‌کردم و براساس آنها تمرین‌های راییش می‌بردم. فکر می‌کنم از آن زمان کلید نگارش کتاب در ذهنم زده شده است. هدفم این بوده که یک بازیگر با مطالعه آن روی صدا و اندام‌های صوتی‌اش آگاهی پیدا کند و توان عملی‌اش را براساس مرور یک‌سری تمرین‌های مدون و به‌هم‌پیوسته بالا ببرد.

آیا این کتاب هنوز در بازار موجود است؟

بله، جلد اول آن هنوز در بازار هست و جلد دوم آن نگارش پایان‌یافته و هنوز زمانی برای تکمیل آن نیاز است و وقتی کامل شد برای چاپ به‌نشر سمت که مسئول چاپ و نشر کتب دانشگاهی است، تحویل خواهم داد. جلد اول در ۱۹۷ صفحه و به قیمت ۱۲۵۰ تومان عرضه شده‌است.

آیا این کتاب در حال حاضر در دانشکده‌های تئاتری تدریس می‌شود؟

هدف از انتشار این کتاب هم همین بوده است. این دو جلد به عنوان ۴ واحد درسی «صدا و بیان» تدریس می‌شود. حالا بستگی دارد که دانشکده‌ها از این کتاب یا کتاب‌های مشابه آن استفاده کنند. اما بازیگران و دانشجویان با مطالعه آن امکان بیشتری برای برخورداری از صدا و بیانی مطلوب‌تر پیدا خواهند کرد.

آیا در سال آینده نمایشی را به صحنه می‌آورید؟
بله فعلا در حال ترجمه و آماده‌سازی چند متن از

اسلاومیر مروژک و دیوید هیر هستم که در صورت تصویب، یکی از آنها را در سال ۸۶به صحنه خواهیم آورد. **چرا نمایشنامه‌هایی که در این سال‌ها ترجمه کرده‌اید را منتشر نمی‌کنید؟**
ترجمه‌ها در دسترس نیست. درباره نشر نمایشنامه تالیفی و ترجمه در نگاه‌تان نباشد. اگر ناشری از این ترجمه‌ها استقبال کند، آنها را منتشر خواهیم کرد.